



## Alzheimer's Patients in Commercial Law

Zahra Sadat Mirhashemi<sup>1\*</sup>, Bahareh Asvadi Razlighi<sup>2</sup>

1. Department of Islamic Law, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.
2. Jurisprudence and Law, Alzahra University, Tehran, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** Although the number of people with Alzheimer's disease is increasing worldwide, unfortunately, the rulings of Alzheimer's patients in the field of commercial law are not only not explicitly available in law, but there are few articles and research in this field. Since the set of rules that make up commercial law are governed by the headings, commercial activity, merchants, bankruptcy and cheque, the issues are whether a person with Alzheimer's disease is a merchant, the bankruptcy of a merchant and The validity of his signature in commercial documents and his responsibilities is more ambiguous and need researches.

**Method:** In the present study, an attempt has been made to collect information in a library manner and using a research model to describe and analyze information, with a full explanation of the stages of Alzheimer's disease progression and patient conditions at each stage, Examine the possibility of applying any subject as an example of general legal rules and the sentence should be inferred and extracted by matching the patient's condition with the generality of the legal issues.

**Ethical Considerations:** In Order to Organize this Research, While Observing the Authenticity of the Texts, Honesty and Fidelity Have Been Observed.

**Results:** The ruling of Alzheimer's patients in the field of commercial law are not explicitly mentioned in the law; The issue of Alzheimer's patients' relationship with commercial companies is not particularly ambiguous and its rulings can be easily deduced, while the issues of being a businessman and a bankruptcy trustee of a person with Alzheimer's disease and the validity of his signature and responsibility in commercial documents require legal research and reflection.

**Conclusion:** According to the patient's condition in the fifth, sixth and seventh stages of Alzheimer's disease, the person is insane and therefore, he cannot be considered a merchant, his bankruptcy cannot be declared and his Signature in commercial documents is invalid. In the third and fourth stages of the disease, in our opinion, the patient is considered an idiot and according to the doctrine of commercial law, there are two different opinions about considering an idiot a merchant and issuing a bankruptcy order and his signature is also ineffective in commercial documents.

**Keywords:** Alzheimer's; Business; Merchants; Bankruptcy; Commercial Documents

**Corresponding Author:** Zahra Sadat Mirhashemi; **Email:** z.mirhashemi@alzahra.ac.ir

**Received:** September 29, 2019; **Accepted:** June 08, 2021; **Published Online:** August 24, 2022

**Please cite this article as:**

Mirhashemi ZS, Asvadi Razlighi B. Alzheimer's Patients in Commercial Law. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e9.



## مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicalaw.ir>



# احکام افراد مبتلا به بیماری آلزایمر در حوزه حقوق تجارت

زهراسادات میرهاشمی<sup>۱\*</sup>، بهاره اسودی رازلیقی<sup>۲</sup>

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

۲. فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** با وجود اینکه آمار مبتلایان به بیماری آلزایمر در جهان رو به افزایش می‌باشد، اما متأسفانه احکام بیماران مبتلا به آلزایمر در حوزه حقوق تجارت، نه تنها در قانون، به صراحت قابل دسترسی نیست، بلکه مقالات و پژوهش‌های اندکی در این زمینه وجود دارد. از آنجا که مجموعه قواعدی که حقوق تجارت را تشکیل می‌دهند، تحت حاکمیت عناوین اصلی، اعمال تجاری و تجار، شرکت‌ها، ورشکستگی و اسناد تجاری قرار دارند، موضوعات، تاجر بودن شخص مبتلا به بیماری آلزایمر، حکم ورشکستگی تاجر مبتلا و اعتبار امضای او در اسناد تجاری و مسئولیت ایشان دارای ابهام و اهمیت بیشتری در میان مسائل حقوق تجارت بوده و نیازمند بررسی است.

**روش:** در تحقیق حاضر تلاش شده است با جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از الگوی تحقیقی توصیف و تحلیل اطلاعات، با تبیین کامل مراحل پیشرفت بیماری آلزایمر و شرایط بیمار در هر مرحله و با فرض امکان در نظر گرفتن هر یک از موضوعات به عنوان مصادیق کلی مطرح شده در قوانین و قواعد حقوقی، هر مسأله مورد بررسی قرار گرفته و با تطبیق شرایط بیمار با کلیات مسائل حقوقی، حکم موضوع استنباط و استخراج گردد.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متن، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** احکام بیماران مبتلا به آلزایمر در حوزه حقوق تجارت، به صراحت در قانون، ذکر نشده است؛ موضوع ارتباط بیماران آلزایمری با شرکت‌های تجاری، دارای ابهام خاصی نمی‌باشد و احکام آن به سادگی قابل استنباط است، در حالی که موضوعات، تاجر بودن و حکم ورشکستگی شخص مبتلا به بیماری آلزایمر و اعتبار امضا و مسئولیت او در اسناد تجاری نیازمند دقت و تأمل حقوقی است.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به شرایط بیمار در مراحل پنجم، ششم و هفتم پیشرفت بیماری آلزایمر، شخص در حکم مجنون بوده و بنابراین نمی‌توان او را تاجر تلقی نمود، حکم به ورشکستگی او نیز قابل صدور نیست و اسناد تجاری صادر شده در حال بیماری، به دلیل حکم جنون، اعتباری نداشته و باطل است. در مرحله سه و چهار پیشرفت بیماری از نظر ما بیمار سفیه محسوب می‌گردد و بر اساس دکترین حقوق تجارت در مورد تاجر تلقی کردن و صدور حکم ورشکستگی سفیه، دو نظر متفاوت وجود دارد و امضای او در اسناد تجاری نیز غیر نافذ است.

**واژگان کلیدی:** آلزایمر؛ بیمار آلزایمری؛ تجارت؛ تاجر؛ ورشکستگی؛ اسناد تجاری

نویسنده مسئول: زهراسادات میرهاشمی؛ پست الکترونیک: [z.mirhashemi@Alzahra.ac.ir](mailto:z.mirhashemi@Alzahra.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mirhashemi ZS, Asvadi Razlighi B. Alzheimer's Patients in Commercial Law. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e9.

## مقدمه

انجمن روان‌پزشکی آمریکا، طبقه‌بندی از اختلالات روانی ارائه نموده که طبق این طبقه‌بندی اختلالات روانی به ۱۷ دسته کلی تقسیم می‌شوند (۱). یکی از این ۱۷ دسته، افراد مبتلا به آلزایمر می‌باشند. بیماری آلزایمر، اختلال مزمن و پیشرونده‌ای است که قوای عقلی شخص را مختل می‌نماید. این بیماری دارای علائمی خاص است که در هر مرحله از پیشرفت بیماری ظهور می‌کند.

هم‌اکنون در جهان حدود ۴/۴۴ میلیون نفر به آلزایمر مبتلا هستند و در هر ۷۶ ثانیه یک نفر به آلزایمر مبتلا می‌شود و حدود ۱۳۵/۵ میلیون نفر تا سال ۲۰۲۲ به آلزایمر مبتلا خواهند شد (۲). همچنین پیش‌بینی می‌شود سرعت پیشرفت این بیماری به گونه‌ای است که تا سال ۲۰۵۰ در هر ۳۳ ثانیه یک نفر جدید به آلزایمر مبتلا خواهد شد (۳).

طبق اطلاعات انجمن آلزایمر ایران آمار دقیقی از مبتلایان به آلزایمر در ایران وجود ندارد و احتمال می‌رود حدود پانصد هزار نفر در ایران مبتلا به آلزایمر باشند. با توجه به افزایش جمعیت سالمندی در ایران پیش‌بینی می‌شود در دو تا سه دهه آینده ۲۵ درصد جمعیت کشور سالمند شوند و با توجه به ارتباط آلزایمر و بالا رفتن سن، ۸ تا ۱۲ درصد این جمعیت سالمند گرفتار آلزایمر خواهند شد (۴).

آمار طرح‌شده در زمینه شیوع این بیماری، به خصوص در جوامع مدرن شهری، در کنار ویژگی‌ها و عوارض خاص آن باعث شده است تا توجه افکار عمومی در سال‌های اخیر، بیشتر متوجه این بیماری شود. طی این سال‌ها علیرغم فعالیت‌های مستمر مراکز پژوهشی در راستای درمان قطعی این بیماری، در خصوص آثار و ابعاد احکام حقوقی مربوط به اعمال و تصمیمات مبتلایان به این بیماری، نقش و تکالیف نزدیکان بیمار و وظایف قانون در حمایت از بیماران مبتلا به آلزایمر کمتر مطلبی مورد بحث قرار گرفته است.

با توجه به توسعه تحولات اقتصادی در دنیای امروز و نقش عمده تجار در شکوفایی اقتصادی و ثروت کشورها، توجه به مباحث و قوانین حقوق تجارت از اهمیت فراوانی برخوردار

شده است. از طرف دیگر با توجه به افزایش روزافزون بیماری آلزایمر باید مسأله معاملات تجاری و اسناد تجاری فرد آلزایمری مورد مذاقه قرار گیرد. بنابراین این تحقیق با هدف افزایش توجه و بررسی مسائل حقوقی مرتبط با بیماران آلزایمری به خصوص مباحث مهم حقوق تجارت مرتبط با این اشخاص مانند بحث تاجر تلقی شدن و حکم ورشکستگی آن‌ها و اعتبار اسناد تجاری این بیماران نگاشته شده است.

## سؤال و فرضیه پژوهش: با توجه به گسترش روزافزون

بیماری آلزایمر و نقش و اهمیت معاملات تجاری و اسناد تجاری در جامعه، سؤالات پژوهشی مهمی، در حوزه حقوق تجارت، در این زمینه قابل طرح است که اهم آن‌ها را می‌توان در سه سؤال زیر جستجو نمود: اول، اگر تاجری به بیماری آلزایمر مبتلا شود، حکم استمرار تاجر بودن او و آثار آن بر اساس حقوق تجارت، چگونه است؟ دوم اینکه شرایط صدور حکم ورشکستگی تاجری که دچار بیماری آلزایمر شده است چگونه خواهد بود، آیا می‌توان حکم ورشکستگی چنین فردی را صادر کرد؟ سومین مسأله مهم در حوزه حقوق تجارت در ارتباط با بیماران آلزایمری این است که مسئولیت فرد آلزایمری در امضای اسناد تجاری چگونه خواهد بود؟

احکام بیماران مبتلا به آلزایمر در حوزه حقوق تجارت نه تنها به صراحت در قانون قابل دسترس نمی‌باشند، بلکه در تحقیقات علمی حقوقی نیز به آن‌ها پرداخته نشده است، با این حال با شناخت بیماری آلزایمر، بسیاری از مسائل حقوقی حوزه تجارت این بیماران، بر اساس بررسی و تطبیق مسائلی همچون اهلیت و احکام حقوقی سفها و مجانین، قابل استنباط است.

پیشینه تحقیق: هرچند مقالاتی با موضوع بررسی حقوق مبتلایان به بیماری آلزایمر در برخی همایش‌ها ارائه شده و در دسترس است که از آن جمله می‌توان به دو مقاله با عناوین «وضعیت اعمال حقوقی اشخاص مبتلا به الزایمر» و «حقوق مبتلایان به آلزایمر در ایران و انگلستان» اشاره نمود و در مورد بررسی اعتبار اقرار و شهادت افراد مبتلا به بیماری آلزایمر، توسط نگارندگان پیش از این مقاله‌ای ارائه شده است (۵) و همچنین مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان تأثیر اختلالات

آن‌ها در ارتباط با بیمار آلزایمری دارای ابهام بوده و مسائل حقوقی آن نیازمند بررسی است و با توجه به اینکه در بحث شرکت‌های تجاری، مباحث سهام‌دار بودن یا شریک شرکت تجاری بودن در مورد بیماران آلزایمری دارای ابهام خاصی نمی‌باشد، سه موضوع، تاجر بودن شخص مبتلا به بیماری آلزایمر، حکم ورشکستگی تاجر مبتلا و اعتبار امضای او در اسناد تجاری و مسئولیت ایشان را بررسی خواهیم نمود.

### یافته‌ها

به طور کلی می‌توان چنین بیان داشت که احکام بیماران مبتلا به آلزایمر در حوزه حقوق تجارت، به صراحت در قانون، ذکر نشده است؛ موضوع ارتباط بیماران آلزایمری با شرکت‌های تجاری، دارای ابهام خاصی نمی‌باشد و احکام آن به سادگی قابل استنباط است، در حالی که موضوعات، تاجر بودن و حکم ورشکستگی شخص مبتلا به بیماری آلزایمر و اعتبار امضا و مسئولیت او در اسناد تجاری نیازمند دقت و تأمل حقوقی است.

### بحث

۱. شناخت بیماری آلزایمر: در این قسمت ابتدا به تعریف بیماری آلزایمر و مراحل پیشرفت آن می‌پردازیم.

۱-۱. تعریف آلزایمر: آلزایمر، بیماری است که حافظه و قوای عقلی را مختل می‌کند و معمولاً با گیجی و اختلال جزئی در حافظه شروع می‌شود و سرانجام به ناتوانی کامل می‌انجامد (۶). آلزایمر یکی از انواع دمانس آدمانس یا زوال عقل از جمله اصطلاحاتی است که برای توصیف نشانه‌ها و علائم گروه بزرگی از اختلال‌های روانی و بیماری‌های و ویژگی‌های مشترک افت پیشرونده عملکرد فردی چون کاهش توانمندی‌های حافظه، هوش، منطق، زبان، مهارت‌های اجتماعی و واکنش‌های عاطفی به کار می‌رود، پس می‌توان گفت دمانس یک اصطلاح عمومی است (۷) و شایع‌ترین نوع دمانس است که ۵۰ درصد تا ۶۰ درصد بیماران مبتلا به دمانس را شامل می‌شود. تعریف‌ها و تبیین‌های زیادی از آلزایمر به عمل آمده است. برای مثال،

روانی بر اعمال حقوقی مالی» در مجله فقه پزشکی به چاپ رسیده است، اما مقاله و تحقیقی که به صورت مستقیم به مباحث حقوق تجارت بیمار آلزایمری پرداخته باشد، یافت نمی‌شود. همچنین مقاله حاضر با موضوع‌شناسی دقیق، به تبیین مراحل پیشرفت بیماری آلزایمر پرداخته و بر اساس همین مراحل پیشرفت بیماری، به تطبیق شرایط بیمار آلزایمری در هر یک از مراحل از لحاظ حقوقی با مواد قانونی و قواعد حقوقی اقدام کرده است تا از این طریق، با تطبیق مصادیق بر کلیات مواد قانونی به حل مسائل حقوق تجارت بیماران آلزایمری بپردازد.

### روش

با توجه به اینکه در قانون ایران و حتی فقه امامیه، حکم صریحی در مورد مسائل حقوقی مرتبط با بیماران آلزایمری وجود ندارد، بنابراین در تحقیق حاضر تلاش شده است تا با تبیین کامل مراحل پیشرفت بیماری آلزایمر و شرایط بیمار در هر مرحله، امکان در نظر گرفتن موضوع به عنوان مصادیق کلی مطرح‌شده در قوانین و قواعد فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته و با تطبیق شرایط بیمار با کلیات مسائل حقوقی، حکم موضوع استنباط و استخراج گردد. بر این اساس، با جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از الگوی تحقیقی، توصیف و تحلیل اطلاعات، ابتدا به معرفی و شناخت موضوع، یعنی بیماری آلزایمر و بیمار آلزایمری و مشخصات آن در حد نیاز این مقاله، پرداخته خواهد شد تا با شناخت موضوع به صورت کامل و دقیق، امکان نتیجه‌گیری در مورد حکم معاملات تجاری و اعتبار اسناد تجاری بیمار مبتلا به آلزایمر فراهم گردد.

همچنین به منظور یافتن حکم صحیح احکام و اعمال تجاری افراد مبتلا به این بیماری، شایسته است به عنوان مقدمه دوم، شرایط اساسی صحت معاملات فرد مبتلا به آلزایمر اعم از قصد و رضا و اهلیت آن‌ها را مورد مذاقه قرار دهیم.

در نهایت، بر محور سه مسأله مهم در قانون تجارت، یعنی تاجر و معاملات تجاری، اسناد تجاری و ورشکستگی که احکام

## ۲-۱. مراحل پیشرفت بیماری آلزایمر:

### ۱-۲-۱. مرحله اول، بدون عیب و نقص (عملکرد طبیعی):

در این مرحله تغییرات مغزی شروع شده و پولک‌ها در مغز تجمع می‌یابند، اما هنوز هیچ تغییر واضح در رفتار ذهن فرد ایجاد نشده است. وی مشکلات حافظه را تجربه نکرده و شواهدی را دال بر بیماری از خود ارائه نمی‌دهد (۱۲).

### ۱-۲-۲. مرحله دوم، زوال شناختی خیلی خفیف (ممکن است تغییرات مربوط به سن بوده یا علائم اولیه بیماری آلزایمر باشد):

فرد ممکن است احساس نقص گذرا و موقت در حافظه نماید، به ویژه در یادآوری لغات و اسامی آشنا، محل کلیدها، عینک یا سایر موضوعات روزانه، اما این مشکلات در طول معاینات پزشکی یا در حضور دوستان و اقوام و همکاران آشکار و مشخص نمی‌شود (۶، ۱۱).

### ۱-۲-۳. مرحله سوم، زوال شناختی خفیف: در این زمان

مراحل اولیه آلزایمر در بعضی از افراد و نه در همه قابل تشخیص است. نقصان حافظه شدید می‌شود، به طوری که فرد در انجام وظایف شغلی خود دچار مشکل می‌گردد. علائم معمولاً بدین صورت است که دوستان، همکاران و یا خانواده متوجه کاستی‌های فرد می‌شوند. در آزمایشات بالینی و در معاینه پزشکی مشکلات مربوط به حافظه یا تمرکز قابل اندازه‌گیری و قابل مشاهده است. معمولاً در این مرحله فرد دچار دلهره و اضطراب می‌شود و به طور ناخودآگاه برای کاهش اضطراب خود سعی در انکار تشخیص آلزایمر می‌نماید (۱۴-۱۳). مشکلات رایج در این مرحله را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود: اشکال در یافتن لغات یا اسامی برای خانواده یا دوستان نزدیک محسوس و آشکار است. توانایی در به خاطر آوردن اسامی هنگام معرفی شدن به افراد جدید کاهش یافته است. بعد از خواندن یک پاراگراف تنها مقدار کمی از آن را به حافظه سپرده است. اختلال در انجام کارها در محیط‌های اجتماعی یا کاری برای خانواده، دوستان یا همکاران محسوس و آشکار است. گم کردن و جا به جا گذاشتن اشیای بارز، افزایش یافته است. زوال در توانایی برای برنامه‌ریزی یا سازماندهی محسوس و آشکار است (۸).

گفته شده آلزایمر یک بیماری مغزی غیر قابل برگشت می‌باشد که معمولاً، در افراد مسن دیده می‌شود و باعث کاهش پیشرونده عملکرد مغزی می‌گردد (۸). همچنین در تعریف آلزایمر گفته شده که یک بیماری تحلیل برنده قوای عقلانی سیستم عصبی مرکزی انسان است (۹). در واقع در بیماری آلزایمر ترکیبات شیمیایی آسیب‌زا در درون و بیرون سلول‌های مغزی رسوب می‌کند و باعث می‌شود سلول‌ها ارتباط خود را با دیگر سلول‌ها از دست بدهند و انتقال پیام‌های عصبی از سلولی به سلول دیگر دچار اختلال شود. با پیشرفت این بیماری این سلول‌های عصبی تحلیل رفته و سرانجام می‌میرند و این به معنی از دست رفتن توانایی مغز در جذب اطلاعات تازه و یادآوری اطلاعات قبلی می‌باشد. رفته‌رفته کارکردها و توانایی‌های فرد، یک به یک از بین می‌رود (۷).

پس آلزایمر نوعی اختلال شناختی است که نارسایی‌های فراگیر و پیشرونده در حافظه و یادگیری اطلاعات تازه، توانایی برقرارکردن ارتباط، قضاوت و هماهنگی حرکتی را شامل می‌شود. اختلال حافظه معمولاً به تدریج ایجاد شده و پیشرفت می‌کند. علائم این بیماری با از دست دادن قدرت حفظ اطلاعات به خصوص حافظه موقت در دوران پیری آغاز شده و به تدریج با از دست دادن قدرت تشخیص زمان، افسردگی، از دست دادن قدرت تکلم، گوشه‌گیری و سرانجام مرگ در اثر ناراحتی‌های تنفسی به پایان می‌رسد. مرگ پس از پنج تا ده سال از بروز علائم اتفاق می‌افتد، اما بیماری حدود بیست سال قبل از ظهور علائم آغاز شده است (۱۰). همچنین گفته شده این بیماری قابل پیش‌بینی نمی‌باشد و تأثیر مشخص بر روی مغز می‌گذارد که بیماران مبتلا به این بیماری دیوانه محسوب می‌شوند، چون اطلاعات علمی راجع به این بیماری فقط در ۲۰ سال گذشته پیشرفت نموده، هنوز گروه‌های کثیری با این بیماری آشنا نبوده و رفتارهای ناهنجار بیماران را به ناراحتی روانی ترجمه کرده و آن‌ها را بیماران روانی می‌نامند. بیماران آلزایمری بیماران مغزی هستند، بدین‌معنا که سلول‌های مغزشان در حالت تخریب و معدوم شدن است و در نتیجه طرز فکر و رفتار آن‌ها تغییر کرده و تحت کنترل آن‌ها نیست (۱۱).

۴-۲-۱. مرحله چهارم، زوال شناختی متوسط (مرحله اول بیماری آلزایمر): در این مرحله حافظه درازمدت نیز تا حدودی دچار اختلال شده است و از انجام وظایف روزمره‌ای که برای سال‌ها انجام می‌داده، مانند رانندگی، خریدهای منزل یا نگهداشتن حساب دخل و خرج خودداری می‌کند. در این مرحله یک مصاحبه دقیق پزشکی کاستی‌ها را در حیطه‌های ذیل به طور واضح مشخص می‌کند:

- کاهش آگاهی نسب به موقعیت‌های اخیر یا وقایع جاری.
- کاهش توانایی در عملکرد ذهنی مربوط به محاسبه برای مثال شمارش معکوس کم کردن ۷ از عدد ۱۰۰.
- کاهش قابلیت‌ها در انجام امور پیچیده، مانند خرید و انجام امور مالی.
- اختلال حافظه در یادآوری خاطرات گذشته.
- اختلال در برقراری ارتباطات و منزوی شدن فرد به ویژه در موقعیت‌های پیچیده ذهنی و اجتماعی (۶، ۱۱، ۱۵).

۵-۲-۱. مرحله پنجم، زوال شناختی متوسط شدید (مرحله دوم بیماری آلزایمر): در این مرحله خلأ شدید در حافظه و نقص در عملکرد شناختی پدیدار می‌شود. یاری بیمار در اکثر فعالیت‌های روزانه الزامی می‌شود. در این مرحله فرد به طور معمول:

- در طول مصاحبه پزشکی قادر به یادآوری جزئیات مهمی مانند آدرس، شماره یا تلفن و یا اسم دبیرستان خود نیست.
- در مورد مکان، تاریخ، روز هفته یا فصل سردرگم و گیج می‌شود.
- در عملیات ذهنی دچار مشکل می‌شود. برای مثال شمارش معکوس کم کردن ۴ از عدد ۴۰ یا ۲ از عدد ۲۰.
- در انتخاب لباس متناسب فصل یا موقعیت‌های خاص نیازمند کمک می‌باشد.
- معمولاً تنها اطلاعات اساسی مربوط به خود، نام خود، همسر و فرزندانش را می‌داند.
- معمولاً برای خوردن غذا و استفاده از توالت نیاز به کمک کسی ندارد (۱۶).

۶-۲-۱. مرحله ششم، زوال شناختی شدید (مرحله دوم بیماری آلزایمر): مشکلات حافظه رو به پیشرفت، تغییرات قابل ملاحظه شخصیت ممکن است پدیدار شده و فرد در اثر این تغییرات در انجام فعالیت‌های عادی روزانه به طور گسترده‌ای نیازمند کمک می‌باشد. در این مرحله فرد به طور معمول:

- آگاهی خود را نسبت به تجربیات و وقایع اخیر و پیرامونش به طور گسترده‌ای از دست می‌دهد.
- گرچه نام خود را به خاطر می‌آورد، اما اطلاعات شخصی خود را به طور ناقص به یاد می‌آورد.
- نام همسر یا مراقبین اولیه خود را فراموش می‌کند، اما چهره افراد آشنا را از افراد جدید تشخیص می‌دهد.
- توانایی هوشی وی به پایین‌ترین حد رسیده، به طوری که قادر به شمردن از ۱ تا ۱۰ نیست.
- برای پوشیدن لباس مناسب نیاز به کمک و نظارت دارد، در غیر این صورت ممکن است اشتباهاتی را انجام دهد، به عنوان مثال بر روی شلوار بیرون شلوار راحتی پوشیده است.
- سیکل خواب یا بیداری وی ممکن است دچار از هم گسیختگی شود.
- برای استفاده از دستشویی و اجابت مزاج نیازمند کمک است، به طور مثال استفاده از سیفون، پاک کردن، شستشوی و خشک کردن خود.
- گاه و بی‌گاه دچار بی‌اختیاری ادرار و مدفوع می‌شود. (۶، ۱۱، ۱۳).

- دچار تغییرات قابل ملاحظه شخصیتی و علائم رفتاری، مانند سوءظن و هذیان می‌گردد (برای مثال معتقد است که مراقبش فردی فریبکار و دو رو است) گرفتار توهم و خیالات می‌شود (چیزهایی می‌بیند و می‌شنود که واقعی نیستند) یا رفتارهای وسواسی و تکراری دارد، مانند فشردن دست‌ها یا پاره‌نمودن دستمال کاغذی.

- ممکن است گم شوند و سرگردان گردند.

۷-۲-۱. مرحله هفتم، زوال شناختی خیلی شدید (مرحله سوم بیماری آلزایمر): این مرحله آخرین مرحله بیماری



۱-۲. حکم اعمال حقوقی اشخاص مبتلا به آلزایمر: در این قسمت برای اینکه بتوانیم حکم صحیحی در خصوص اعمال تجاری افراد مبتلا به این بیماری بدهیم، شایسته است ابتدا شرایط اساسی صحت معاملات فرد مبتلا به آلزایمر را کامل بشناسیم.

ماده ۱۹۰ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱- قصد طرفین و رضای آن‌ها؛ ۲- اهلیت طرفین؛ ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد؛ ۴- مشروعیت جهت معامله» شامل شرایط عمومی کلیه عقود است که باید در همه عقود رعایت شود، اعم از اینکه معین باشد یا نامعین.

شرایط ۱ و ۲ این ماده با موضوع مورد بحث ما، یعنی آلزایمر که یک بیماری مغزی است، ارتباط کامل دارد، زیرا بیماری آلزایمر مختل‌کننده عقل، هوش و حافظه... است. بنابراین باید به بررسی قصد و رضای بیمار آلزایمری و اهلیت این افراد به طور مشخص بپردازیم.

۱-۱-۲. قصد و رضا در مبتلایان به آلزایمر: انفعالاتی که در ذهن و قوه دماغی معامله‌کننده رخ می‌دهد تا یک معامله انجام شود، به شرح ذیل است:

- مرحله خطوط و تصور: این مرحله یک مرحله غیر ارادی است، مثلاً تصور خانه و فروش آن در ذهن فرد نقش می‌بندد.  
- مرحله سنجش: این مرحله که یک مرحله اختیاری و ارادی است، شخص به سنجش سود و زیان خود می‌پردازد.

- مرحله رضا و اشتیاق (مرحله تصمیم): شخص پس از سنجش سود و زیان خود به این نتیجه می‌رسد که آیا این معامله به مصلحت خود است یا نه و اگر این معامله را به مصلحت خود ببیند، تصمیم می‌گیرد که معامله را انجام دهد، اما هنوز هیچ عمل حقوقی شکل نگرفته است.

۴- مرحله قصد (اجرای تصمیم): شخص پس از تصمیم به انجام معامله در این مرحله تصمیم خود را به عرصه اجرا در می‌آورد، این مرحله دقیقاً همان قصد انشا می‌باشد (۲۱-۱۹).

است، در این مرحله بیمار اکثر اوقات در بستر به سر می‌برد و توانایی پاسخگویی نسبت به محیط اطراف خود را از دست داده، قادر به صحبت کردن نیست و در نهایت توانایی حرکت را نیز از دست می‌دهد.

- بیمار به طور مکرر توانایی خود را در ادای صحبت‌های قابل تشخیص از دست می‌دهد، ممکن است کلمات یا جملات به طور نامفهوم و بی‌اراده ادا می‌شوند.

- بیمار برای خوردن و اجابت مزاج نیازمند کمک است و به طور کامل دچار بی‌اختیاری ادرار می‌شود.

- بیمار توانایی خود را برای راه رفتن، نشستن بدون حمایت، لبخند زدن و بالانگاه داشتن سر از دست می‌دهد.

- در نهایت رفلکس‌های عصبی غیر طبیعی شده، ماهیچه‌ها سفت شده و بلع دچار اختلال می‌گردد.

شایان ذکر است که این مراحل هفت‌گانه در تمام بیماران به یک شکل نیست و ممکن است برخی از بیماران هرگز به مرحله آخر نرسند (۶، ۱۱).

۲. احکام تجارت افراد مبتلا به بیماری آلزایمر: حقوق تجارت، زائیده فعالیت‌های تجاری است که به تبع نیازهای بازرگانی و اقتصادی و ضرورت‌های عملی و اعمال تجاری به وجود آمده است و با توسعه روابط اجتماعی و گسترش تجارت و بازرگانی که از لوازم آن اعتماد میان تجار و بازرگانان در روابط تجاری، تقویت اعتبار، سرعت عمل و سهولت و سادگی می‌باشد، ایجاد شده است (۱۷). در واقع حقوق تجارت مجموعه قواعد و اصولی است که روابط حقوقی و معاملات بین تجار و امور تجاری را تعریف و تنظیم می‌نماید (۱۸). مجموعه قواعدی که حقوق تجارت را تشکیل می‌دهد، تحت حاکمیت چند مفهوم اساسی قرار دارند: ۱- اعمال تجاری؛ ۲- تجار؛ ۳- ورشکستگی؛ ۴- اسناد تجاری. بنابراین در این قسمت پس از بررسی حکم اعمال حقوقی شخص مبتلا به بیماری آلزایمر به صورت کلی و عمومی به عنوان مقدمه ضروری بحث، تلاش شده که با توجه به مراحل پیشرفت بیماری آلزایمر، مسأله تاجر بودن، ورشکستگی و اعتبار اسناد تجاری فرد مبتلا مورد بررسی قرار گیرد.

اشتباه در موضوع معامله و یا دچار اشتباه در شخصیت طرف مقابل در معاملاتی که شخصیت طرف علت عمده عقد است، شوند که در صورت اثبات آن و تأیید پزشک قانونی، معاملات آن‌ها باطل خواهد بود (۲۲).

در مراحل پیشرفته بیماری آلزایمر، یعنی مراحل پنجم، ششم و هفتم، آسیب‌های بسیار شدیدی به قسمت‌هایی از مغز که خواستگاه تفکر و تصمیم و قضاوت است، وارد شده است (۶)، (۱۱)، در نتیجه می‌توان گفت شخص به یک موجود فاقد اراده تبدیل می‌شود که قطعاً چنین شخصی قصد انشا، یعنی اراده ایجاد یک ماهیت حقوقی را ندارد. پس به طور کل باید گفت فرد مبتلا در این مراحل نه رضا دارد و نه قصد و مانند مجانبین اراده انجام هیچ کاری را ندارد و در حکم مجنون خواهد بود (۲۳).

۲-۱-۲. اهلیت در مبتلایان به آلزایمر: همانطور که گفته شد، حجر در مقابل اهلیت استیفا قرار دارد و اشخاصی که از اهلیت برخوردار نباشند، محجور محسوب می‌شوند. چنانچه ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی مقرر داشته که «اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند: ۱- صغار؛ ۲- اشخاص غیر رشید؛ ۳- مجانبین.»

در مورد این ماده اشاره به این نکته ضروری است که اگرچه این ماده اشخاص محجور را به این ۳ گروه تقسیم نموده است، اما امروزه علم روان‌پزشکی اختلال‌های روانی متعدد را با نام‌ها و نشانه‌های مختلفی مورد شناسایی قرار داده است که اشخاص مبتلا به این نوع اختلال‌ها از توانایی سنجش امور مالی خود برخوردار نمی‌باشند و این اشخاص را نیز باید تحت عنوان افراد محجور به حساب آورد (۲۳-۲۵) که ممنوع از تصرف در اموال خود و نیازمند تنفیذ ولی و در مواردی هم نیازمند نصب قیم می‌باشند (۲۳).

یکی از این انواع اختلال‌های روانی همانطور که اشاره شد، بیماری آلزایمر است که دارای مراحل پیشرفت بوده و هر مرحله علائم و نشانه‌های مخصوص به خود را دارا می‌باشد، پس می‌توان بیماری آلزایمر را هم در برخی مراحل یکی از موارد حجر دانست، چراکه افراد مبتلا، درک و آگاهی درستی

حال با توجه به این مراحل اراده، باید ببینیم فرد آلزایمری در هر یک از مراحل پیشرفت بیماری در کدام یک از این مراحل چهارگانه دچار مشکل می‌شود.

در مراحل اولیه پیشرفت بیماری، شخص از سلامت کامل برخوردار است و همانند یک انسان سالم این مراحل چهارگانه اراده را به سلامت سپری می‌کند و از قصد و رضا و به طور کل از اراده برخوردار است.

اما فردی که در مرحله سوم این بیماری قرار دارد، مرحله خطور و یا تصور که یک مرحله غیر ارادی است را با موفقیت سپری می‌کند، در حالی که به این دلیل که شخص در این مرحله دچار مشکل و زوال در برنامه‌ریزی و سازماندهی می‌شود، باید گفت این شخص همانند افراد سفیه در نگهداری حساب خود و برنامه‌ریزی برای آن، یعنی، همان مرحله سنجش سود و زیان دچار مشکل می‌شود.

در مرحله چهارم بیماری که یکی از نشانه‌های بارز و مهم آن عدم توانایی شخص در نگهداری حساب دخل و خرج خود و عدم توانایی در انجام امور مالی‌اش است، باید با توجه به این نشانه اظهار نمود که فرد در مرحله سنجش دچار مشکل شده و عمل سنجش سود و زیان را نمی‌تواند به درستی انجام دهد و به همین علت است که این فرد مبتلا را در این مرحله جزء افراد سفیه می‌دانیم که معاملاتش غیر نافذ است.

پس در این دو مرحله از بیماری، به علت اینکه فرد هنوز قدرت فهم دارد و نقایص حافظه او به قدری نیست که به فهم او خدشه وارد نماید، دارای قصد است، اما از آن جهت که در مرحله سوم دچار زوال در برنامه‌ریزی می‌شود و در مرحله چهارم هم دچار اختلال در نگهداری حساب دخل و خرج خود می‌شود، باید این شخص را در حکم افراد سفیه به حساب آورد که هرچند دارای قصد و رضا هستند، اما به جهت حجر حمایتی باید معاملات آن‌ها را بر مبنای ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی غیر نافذ دانست (۲۱).

پس اصل بر این است که افراد مبتلا به آلزایمر در مرحله سوم و چهارم در حکم افراد غیر رشید می‌باشند و معاملات آن‌ها غیر نافذ است، مگر اینکه به دلیل اختلال در حافظه، دچار



۲-۲. تاجر بودن شخص آلزایمری: به موجب ماده ۱ قانون تجارت که مقرر داشته: «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار بدهد» تاجر کسی است که اولاً به امور تجارتي بپردازد؛ ثانياً امور تجارتي را شغل معمولی خود قرار دهد. پس طبق نص صریح قانون تجارت برای اکتساب صفت تاجر بودن ۲ شرط ضروری می‌باشد، اما دکترین حقوق تجارت ۲ شرط دیگر را نیز برای اکتساب صفت تاجر ضروری می‌داند که نص صریح قانونی برای آن وجود ندارد. اولین شرط، اقدام به عمل تجارتي به نام و حساب خویش است (۲۶)، یعنی تاجر باید امور تجارتي را به نام و حساب شخصی خود انجام دهد، به نحوی که خود متحمل سود و زیان آن باشد (۲۷)، چراکه تجارت شغلی مستقل است و اگر کسی به نام و حساب دیگری عمل تجارتي انجام دهد، آن عمل، آمر را تاجر می‌کند نه انجام‌دهنده آن را. بنابراین نمی‌توان خدمه تجارت خانه را که از صاحب تجارت خانه مزد دریافت می‌کند، تاجر تلقی نمود، هرچند که انجام امور تجاری فقط بر عهده این خدمه باشد. در مورد مدیران شرکت هم همین منوال جاری است، زیرا هرچند که معاملات مربوط به شرکت را خود آن‌ها انجام می‌دهند، اما به دلیل اینکه این معاملات را به نام و حساب شخص حقوقی انجام می‌دهند، تاجر محسوب نمی‌شوند، هرچند که در برخی از موارد ممکن است به موجب عدم قدرت شخص حقوقی به پرداخت دیونش به صورت تضامنی هم محکوم گردند (۲۸).

دومین شرط، داشتن اهلیت است (۲۶)، از طرفی در نظام حقوقی ایران طبق اصل چهل و سوم قانون اساسی، اقتصاد و امور مالی جمهوری اسلامی ایران بر ضوابطی استوار شده است که یکی از این ضوابط «رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین ... است» که این ضابطه به عنوان اصل آزادی انتخاب شغل در حقوق موضوعه ایران مورد تأیید قرار گرفته است. اصل آزادی انتخاب شغل، انتخاب شغل تجاری را هم شامل می‌شود که به عنوان یکی از شرایط اشتغال به تجارت ذکر گردیده است، اما این اصل با استثنائاتی مواجه شده است که به طور کل می‌توان این استثنائات را در

از پیرامون خود ندارند، و قدرت قضاوت و تصمیم‌گیری و حافظه و تفکر انتزاعی و قدرت ابتکار و... خود را از دست داده‌اند و به طور قطع، نمی‌توانند از حقوق خود دفاع کنند، پس شایسته است که تحت حمایت قانون قرار بگیرند و محجور به حساب آورده شوند، زیرا همانطور که قبلاً گفته شد، اولین مبنای حجر حمایت قانون مدنی از اشخاص ناتوان در مقابل دیگران است تا مورد تضرر قرار نگیرند (۲۳)، اما نمی‌توان این بیماران را در قالب انحصاری اشخاص غیر رشید و یا مجانین قرار داد، چراکه این بیماری دارای علائمی با شدت و ضعف می‌باشد که باید با توجه به این علائم و نشانه‌ها این اشخاص مبتلا را در یکی از گروه‌ها جای داد، البته چون این بیماری معمولاً در اشخاص پیر یا مسن رخ می‌دهد، قطعاً نمی‌توانیم این اشخاص را در ذیل گروه صغار قرار داد.

بر این اساس، در مراحل اولیه فرد از سلامت کامل برخوردار می‌باشد، هرچند دارای علائمی از جمله عدم یادآوری مکان اشیا و... است، اما این علائم به اندازه‌ای خفیف می‌باشد که در طول معاینات پزشکی مشخص نمی‌شود، پس باید گفت در هیچ کدام از گروه‌های مجانین و یا افراد غیر رشید قرار نمی‌گیرند و از اهلیت کامل برخوردار هستند.

در مورد مرحله سوم و چهارم شایسته به نظر می‌رسد که گفته شود این اشخاص در این دو مرحله جزء اشخاص غیر رشید باشند، چراکه این افراد از نظر اندیشه و تفکر سالم هستند و تنها به جهت اینکه سود و زیان خود را تشخیص نمی‌دهند، باید جزء دسته افراد غیر رشید محسوب شوند.

اگر فرد مبتلا به آلزایمر در مراحل شدید، یعنی مراحل ۵، ۶ و ۷ قرار داشته باشد، باید گفته شود که شخص در این مراحل به علت پیشرفت شدید بیماری و تخریب شدید سلول‌های مغزی که خواستگاه اراده است، به یک موجودی فاقد اراده تبدیل شده و نیازمند مراقبت تمام وقت است و این شخص را باید در زمره مجانین دانست که قوه خردورزی و اندیشه آن‌ها به شدت تخریب شده یا به عبارت دیگر دچار فساد عقل هستند، پس شخص آلزایمری که در این مراحل قرار دارد، از اهلیت برخوردار نمی‌باشد و باید احکام مجانین را در مورد این افراد جاری ساخت.

۲ نوع محدودیت خلاصه نمود: ۱- محدودیت‌های شخصی که شامل محدودیت‌های ناشی از عدم اهلیت و محدودیت‌های ناشی از تابعیت بیگانه می‌باشد؛ ۲- محدودیت‌های موضوعی که شامل محدودیت‌های است که به سبب نوع فعالیت‌های تجاری برقرار شده است (۲۸). بنابراین اشخاصی که اهلیت ندارند، نمی‌توانند به شغل تجارت اشتغال ورزند تا بتوانند صفت تاجر بودن را اکتساب نمایند (۲۶).

حال بر این اساس، باید توجه داشت، در مورد تاجر تلقی شدن افراد سفیه، همانطور که در مباحث گذشته بررسی شد، قانون مدنی کشور ما در ماده ۱۲۰۷ افراد فاقد اهلیت یا به طور کل محجورین را به سه دسته شامل صغار، اشخاص غیر رشید و مجانین تقسیم نموده است. در مورد تاجر بودن افراد سفیه در میان دکترین حقوق تجارت ۲ نظر متفاوت وجود دارد که به تفصیل به آن‌ها خواهیم پرداخت.

گروه اول که عقیده دارند افراد سفیه می‌توانند صفت تاجر بودن را کسب نمایند و می‌توان آن‌ها را تاجر تلقی نمود، چراکه در حقوق ایران نیز مانند حقوق فرانسه علی‌الاصول، هر کس که دارای اهلیت باشد، عمل تجاری نیز می‌تواند انجام دهد و اگر اهلیت نداشته باشد، نمی‌تواند انجام دهد، اما قانونگذار ما برخلاف قانونگذار فرانسه برای انجام دادن امور تجاری در باب اهلیت سختگیری کمتری کرده است و برخلاف حقوق فرانسه معامله تجاری صغیر در صورت ممیز بودن، باطل تلقی نمی‌شود، بلکه غیر نافذ است و با اجازه قبلی قیم دارای نفوذ و با اجازه بعدی قیم قابل تنفیذ می‌شود. این گروه دلیل این مطلب را مواد ۸۵ و ۸۶ قانون امور حسبی که رژیم حقوقی خاصی برای اهلیت در امور تجاری محجور ممیز (صغیر ممیز و سفیه) برقرار داشته است، دانسته‌اند. ماده ۸۵ این قانون مقرر داشته است: «ولی یا قیم اختیار این را دارد که در صورت اقتضا به محجور ممیز اجازه دهد به پیشه‌ای اشتغال ورزد و لوازم آن پیشه را فراهم کند» و ماده ۸۶ هم نیز مقرر داشته است «محجور ممیز می‌تواند اموال و منافع را که خود به دست آورده است، با اذن ولی یا قیم اداره نماید و اعمال حقوقی لازم را برای اداره آن‌ها انجام دهد.» این ماده بیانگر

آن است که صغیر ممیز یا سفیه اگر به امور تجاری بپردازند، اعمالشان نافذ است، مشروط بر اینکه با اجازه ولی یا قیم باشد، چون قانونگذار اجازه داده است چنین اعمالی انجام شود، وصف تجاری آن‌ها از بین نمی‌رود، بنابراین در قانون ایران می‌توانیم محجور ممیز را اگر امور تجاری را شغل خود قرار دهد تاجر تلقی نماییم (۲۹-۲۸)، پس محجورین ممیز (صغیر ممیز و سفیه) می‌توانند به شغل تجارت بپردازند و تاجر تلقی شوند، هرچند که در عمل ممکن است حدود شغل آن‌ها از کسبه جزء تجاوز نکند و غبطه آن‌ها نیز در این است که ولی یا قیم آن‌ها به بیش از این اجازه ندهند (۲۸).

اما گروه دوم نظری متفاوت از نظر گروه اول دارند. به عقیده این گروه شخص سفیه نمی‌تواند اشتغال به تجارت داشته باشد و اگر مبادرت به تجارت نماید، اکتساب صفت تاجر نخواهد کرد، چراکه طبق ماده ۲۱۰ ق.م «متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند» و چون شغل تجارت مستلزم انجام معاملات می‌باشد، بنابراین اگر کسی اهلیت برای معامله نداشته باشد، نمی‌تواند به شغل تجارت اشتغال ورزد و نمی‌توان او را تاجر شناخت، چنانچه دادگاه هم برای او قیمی تعیین نماید، این نماینده قانونی فقط باید به اداره اموال او اکتفا نماید و حق ندارد بعد از حدوث حجر معاملات تجاری جدیدی انجام دهد، چراکه اگر ادامه شغل تجارت را به وسیله نماینده قانونی محجور جایز بدانیم، ممکن است در نتیجه عملیات تجاری زیان‌های جبران‌ناپذیری به محجور وارد شود که برخلاف منافع محجور تشخیص داده شود و بعداً معاملات مزبور مورد ابطال قرار گیرند، اما چنانچه محجور از طرف خود قبل از حدوث حجر قائم‌مقام تجاری تعیین نموده باشد که با توجه به ماده ۴۰۰ قانون تجارت که مقرر می‌دارد: «با فوت یا حجر رییس تجارتخانه قائم‌مقام تجاری منعزل نیست»، می‌توان استدلال نمود که قائم‌مقام مزبور می‌تواند امور تجارتخانه را اداره نماید. از طرفی هم می‌توان گفت چون نمایندگان قانونی محجورین در هر مورد باید غبطه محجور را رعایت نمایند، می‌توان استدلال نمود که اگر انحلال تجارتخانه محجور به ضرر او باشد، نماینده قانونی او ملزم به نگهداری آن

از ویژگی‌های حقوق ایران است. قانونگذار ما این راه حل را از قانون فرانسه اقتباس کرده است و در حقوق ایران از اشخاص غیر تاجر دادخواست ورشکستگی پذیرفته نمی‌شود. چنین اشخاصی فقط می‌توانند درخواست اعسار بدهند (۳۲). بنابراین برای اینکه بتوان حکم ورشکستگی افراد مبتلا به آلزایمر را صادر نمود، ابتدا باید تاجر بودن آن‌ها محرز شود، طبق آنچه که در مبحث گذشته گفته شد، در مورد تاجر بودن یا نبودن شخص آلزایمری که در مرحله ۳ و ۴ قرار دارد، دو دیدگاه وجود دارد که طبق دیدگاه اول این شخص مبتلا در این مراحل تاجر تلقی می‌شود، پس اگر قادر به پرداخت دیون خود نباشد، می‌توان او را به ورشکستگی محکوم نمود؛ طبق دیدگاه دوم محجورین به صورت مطلق به جهت عدم اهلیت در انجام معامله نمی‌توانند وصف تاجر بودن را کسب نمایند، پس فرد آلزایمری در مراحل سوم و چهارم در حکم افراد سفیه است و طبق این دیدگاه به جهت عدم اهلیت نمی‌تواند صفت تاجر بودن را کسب نماید و در نهایت نمی‌توان حکم ورشکستگی او را صادر نمود، اما چنانچه ذکر گردید، در مورد افراد آلزایمری که در مراحل پنجم، ششم و هفتم قرار دارند، به هیچ عنوان نمی‌توان وصف تاجر بودن را به آن‌ها متصف نمود و تمام دکترین حقوق تجارت هم در آن اتفاق نظر دارند، پس قطعاً حکم ورشکستگی را نمی‌توان در مورد این افراد صادر کرد.

**۲-۴. اعتبار امضای فرد مبتلا به آلزایمر در اسناد تجاری و نقش آن بر مسئولیت سایر امضاکنندگان: اسناد تجاری**

صرف نظر از معنی کلمه که ممکن است داشته باشند، به کلیه اسنادی که بین تاجر رد و بدل شوند، تعمیم داده شده است و معمولاً اسناد و اوراقی می‌باشند که قابل معامله بوده و معرفی طلبی به سررسید مدت کم می‌باشد. قانون تعریفی از اسناد تجاری ننموده است، ولی برای هر یک از انواع آن مواردی در قانون تجارت و قوانین مخصوص تعیین شده است. مهم‌ترین انواع اسناد تجاری عبارت‌اند از: برات، سفته، چک، قبض رسمی انبار، سهام و برگه‌های قرضه. اسناد تجاری تجاری وسیله سهل و مناسبی برای تحصیل اعتبار می‌باشند (۳۰).

است منتهی اعمال او باید منحصر به اداره و نگهداری تجارتخانه مزبور باشد و لاغیر و اگر هم معاملاتی می‌نماید، کاملاً در حدود عرف و عادت باشد، اما معاملات عادی و محکم تجارتي، اگرچه از وظایف نماینده قانونی محجور خارج بوده است، ولی از لحاظ غبطه محجور ممکن است تجویز شود (۳۰). همچنین منظور مقنن از قید کلمه (محجور ممیز در ماده ۸۶ قانون امور حسبی فقط صغیر ممیز خواهد بود نه سفیه که از نظر اشتغال به کار یا پیشه با اطلاق ماده ۸۵ قانون امور حسبی که مقرر می‌دارد: «ولی یا قیم می‌تواند در صورتی که مقتضی بداند، به محجور اجازه اشتغال به کار یا پیشه بدهند و در این صورت اجازه نامبرده شامل لوازم آن کار یا پیشه خواهد بود» برای او (صغیر ممیز) مانعی در پیش نخواهد بود (۳۱).

پس فرد مبتلا به آلزایمر که در مرحله ۳ و ۴ قرار دارد و ما آن را جزء افراد سفیه قرار دادیم، طبق نظر گروه اول تاجر تلقی می‌شود، اما حدود شغل او نباید از کسبه جزء تجاوز نماید، اما طبق نظر گروه دوم این فرد تاجر تلقی نمی‌شود، چون اهلیت معامله را ندارد.

با توجه به اینکه افراد آلزایمری که در مراحل ۵، ۶ و ۷ قرار دارند، جزء مجانین محسوب می‌شوند، بر اساس دکترین حقوق تجارت به هیچ عنوان تاجر تلقی نخواهند شد، با این تفاوت که گروه اول عدم تاجر بودن این افراد را ناشی از مواد ۸۵ و ۸۶ قانون امور حسبی می‌دانند که فقط به محجورین ممیز اجازه داده است با اذن ولی یا قیم خود پیشه انتخاب نمایند که شامل تجارت هم می‌شود (۲۸) و گروه دوم تاجر نبودن مجانین را ناشی از عدم اهلیت آن‌ها و اینکه حق معامله ندارند و عام تصرفات آن‌ها باطل است، می‌دانند (۲۶، ۳۰).

**۲-۳. حکم ورشکستگی تاجر مبتلا به آلزایمر: ماده ۴۱۲**

قانون تجارت، ورشکستگی را چنین تعریف نموده است: «ورشکستگی تاجر یا شرکت‌های تجاری، در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست، حاصل می‌شود.»

طبق این ماده ۲ شرط اساسی جهت ورشکستگی اعلام شده است که این ۲ شرط عبارت است از: ۱- تاجر بودن؛ ۲- توقف او از تأدیه دیون. پس ورشکستگی خاص تاجر است و این قاعده

تنفیذ نماید صحیح است و اگر قییم او معامله برواتی را رد نماید، امضای او باطل خواهد بود و موجب مسئولیت وی نخواهد شد.

در مورد فرد آلزایمری که در مراحل ۵، ۶ و ۷ قرار دارند، باید گفت که این افراد همانند مجانین فاقد نیروی درک و عقل می‌باشند و نمی‌توانند قصد انشا و اراده حقوقی داشته باشند، پس به طور قطع معاملات برواتی این اشخاص باطل و بلااثر است.

آنچه تاکنون در مورد آن بحث نمودیم، موضوع اعتبار امضای فرد آلزایمری در اسناد تجاری بود، اما حال بحث اثر آلزایمر بر مسئولیت سایر امضاکنندگان مطرح می‌شود که آیا بطلان تعهد فرد آلزایمری و عدم مسئولیت وی (عدم اعتبار امضای بیمار آلزایمری)، موجب بی‌اعتباری مسئولیت سایر امضاکنندگان می‌شود یا خیر؟

طبق اصل استقلال امضاها، هر امضایی باید مستقل از سایر امضاها در نظر گرفته شود، به طوری که بطلان یک امضا به سایر امضاها دیگر سرایت نمی‌کند و به بیان دیگر هر امضا به طور مستقل و بدون توجه به سایر امضاها بیانگر تعهد امضاکننده است.

اصل استقلال امضاها، هرچند به طور صریح در قانون تجارت ما بیان نشده است، اما این اصل در صورت عدم اهلیت یکی از مسئولان برات در قوانین کشورهای مختلف پذیرفته شده است و ماده ۷ قانون متحدالشکل ژنو نیز آن را به صورت زیر بیان نموده است: «در صورتی که برات متضمن امضای اشخاصی باشد که برای متعهد کردن خود به وسیله برات اهلیت ندارند، مسئولیت اشخاص دیگری که برات را امضا کرده‌اند، به جای خود باقی خواهد بود» (۳۴).

پس طبق آنچه که گفته شد، اگر سند تجاری مورد معامله قرار گرفته و واجد امضاها متعدد باشد، بر اساس اصل استقلال امضاها و حفظ حقوق اشخاص ثالث، امضاها معتبر ایجاد مسئولیت می‌کند و صاحبان آن در برابر دارنده بدون سوءنیت مسئول پرداخت خواهند بود و نمی‌توانند به بطلان سند یا امضای غیر معتبر استناد نمایند. بنابراین چنانچه یکی از

ویژگی مشترک برات و سفته و چک به گونه‌ای است که در مورد آن‌ها به جای عنوان اسناد تجاری، می‌توان از عنوان «اسناد براتی» استفاده کرد. در واقع در حقوق ایران منظور از اسناد تجاری، معمولاً اسنادی است که از بسیاری جهات به برات شبیه‌اند و خصایص عمده آن را دارند.

صدور اسناد تجاری و انتقال آن‌ها حسب قواعد کلی حقوق مدنی یک عمل حقوقی و در واقع نوعی معامله محسوب می‌شود و باید تابع شرایط اساسی صحت معاملات که مقرر در ماده ۱۹۰ قانون مدنی است، باشد. پس وجود قصد و رضای صادرکننده سند و اهلیت او برای امضای اسناد تجاری ضروری می‌باشد.

این اسناد که به مثابه عمل حقوقی یا عقد می‌باشند طبق ماده ۱۹۱ قانون مدنی، زمانی محقق می‌شوند که به قصد انشا باشند و به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند. در اسناد تجاری آن چیزی که دلالت بر قصد می‌کند، امضا یا مهر امضاکننده است. حال اگر شخصی که فاقد قصد می‌باشد، به امضای اسناد تجاری بپردازد، این عدم قصد او به اعتبار امضایش خدشه وارد می‌کند و باعث عدم ایجاد مسئولیت برای امضاکننده اسناد تجاری می‌شود.

شرط دیگر اهلیت است که طبق ماده ۲۱۲ قانون مدنی معامله با اشخاصی که بالغ و عاقل یا رشید نیستند، به واسطه عدم اهلیت باطل یا غیر نافذ است.

برخی نیز معتقدند امضاکننده سند تجاری بایستی دارای اهلیت باشد، لذا امضای محجورین (صغار، سفها و مجانین) صحیح نبوده و موجب تعهد آن‌ها نخواهد بود (۳۳).

اما ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی در مورد معاملات سفیه مقرر داشته است که معاملات سفیه غیر نافذ است نه باطل، لذا نامبرده دارای قصد انشا می‌باشد، اما فقدان رضای وی و اذن ولی او دچار خدشه شده است، پس معاملات برواتی وی غیر نافذ است و اگر قییم یا ولی او، آن را تنفیذ نمایند، صحیح است و موجب تعهد وی خواهد بود، پس در نتیجه باید گفت فرد آلزایمری که در مراحل ۳ و ۴ پیشرفت بیماری قرار دارد، معاملات برواتی‌اش غیر نافذ می‌باشد و در صورتی که قییم او

مراحل ۳ و ۴ پیشرفت بیماری قرار دارند، صادر کرد؛ طبق نظر گروه دوم، نمی‌توان حکم به ورشکستگی این افراد کرد. همچنین افراد آلزایمری که در مراحل ۵ و ۶ و ۷ پیشرفت بیماری قرار دارند، قطعاً حکم به ورشکستگی آن‌ها قابل صدور نیست، چراکه در حکم مجانین می‌باشند.

۴- اما اثر آلزایمر بر اعتبار و مسئولیت امضای بیمار در اسناد تجاری چنین است که اگر فرد آلزایمری در مراحل ۳ و ۴ پیشرفت بیماری باشد، قرارداد معاملات بروات‌اش غیر نافذ می‌باشد و در صورتی که قیّم بیمار، معامله و امضا را تنفیذ نماید، حکم به اعتبار و صحت خواهد شد و اگر رد نماید، امضای او باطل خواهد بود و موجب مسئولیت وی نخواهد شد و در مراحل بعدی پیشرفت بیماری، اسناد تجاری بیمار به دلیل حکم جنون، اعتباری نداشته و باطل است.

۵- در بحث اثر آلزایمر بر مسئولیت سایر امضاکنندگان سند تجاری، باید چنین اظهار نمود که چنانچه یکی از امضاکنندگان سند تجاری، فرد آلزایمری باشد که در مراحل ۳ و ۴ پیشرفت بیماری قرار دارد و قیّم وی امضای او را تنفیذ نماید و در صورتی که فرد آلزایمری در مراحل ۵ و ۶ و ۷ پیشرفت بیماری باشد، طبق اصل استقلال امضاها، امضای غیر معتبر و باطل بیمار آلزایمری به مسئولیت صحیح سایر امضاکنندگان خللی وارد نمی‌آورد و سایر مسئولین بابت امضای خود به طور مستقل، در برابر دارنده با حسن نیت مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

### مشارکت نویسندگان

زهراسادات میرهاشمی: تألیف، مرور، بازبینی، راهنمایی.  
بهاره اسودی رازلیقی: جمع‌آوری داده‌ها و نگارش اولیه متن مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

امضاکنندگان سند تجاری فرد آلزایمری باشد که در مراحل ۳ و ۴ قرار دارد (در صورت عدم تنفیذ قیّم وی) و یا فرد آلزایمری باشد که در مراحل ۵، ۶ و ۷ قرار دارد، وجود این افراد در میان امضاکنندگان سند تجاری، بر اساس اصل استقلال امضاها، به مسئولیت سایر امضاکنندگان، خللی وارد نمی‌نماید و سایر مسئولین بابت امضای خود، به طور مستقل، در برابر دارنده با حسن نیت مسئولیت تضامنی دارند.

### نتیجه‌گیری

۱- احکام بیماران مبتلا به آلزایمر در حوزه حقوق تجارت، به صراحت در قانون، ذکر نشده است، اما از میان مجموعه قواعد مهم حقوق تجارت، یعنی مباحث، اعمال تجاری و تجار، شرکت‌ها، ورشکستگی و اسناد تجاری، موضوع ارتباط بیماران آلزایمری با شرکت‌های تجاری و مباحث سهام‌داربودن یا شریک شرکت تجاری بودن و... دارای ابهام خاصی نمی‌باشد و احکام آن به سادگی قابل استنباط است، در حالی که موضوعات، تاجر بودن شخص مبتلا به بیماری آلزایمر، حکم ورشکستگی تاجر مبتلا و اعتبار امضای او در اسناد تجاری و مسئولیت ایشان نیازمند دقت و تأمل حقوقی است.

۲- در مورد تاجر بودن فرد مبتلا به آلزایمر، در مرحله ۳ و ۴ پیشرفت بیماری که از نظر ما بیمار سفیه محسوب می‌گردد، بر اساس دکترین حقوق تجارت، دو نظر متفاوت وجود دارد: طبق نظر اول، چنین فردی تاجر تلقی می‌شود، اما حدود شغل او نباید از کسبه جزء تجاوز نماید؛ طبق نظر دوم، چنین بیمارانی تاجر تلقی نمی‌شوند، چون اهلیت معامله را ندارند، اما فرد آلزایمری که در مراحل ۵ و ۶ و ۷ پیشرفت بیماری قرار دارد، جزء مجانین محسوب می‌شود و باید اذعان داشت بنا به دکترین حقوق تجارت، چنین افرادی به هیچ عنوان تاجر تلقی نمی‌شوند.

۳- در مورد صدور حکم ورشکستگی بیماران آلزایمری، نتیجه‌گیری باید بر اساس تاجر تلقی کردن یا تاجر تلقی نکردن بیمار آلزایمری باشد؛ یعنی بر اساس نظر گروه اول، می‌توان حکم ورشکستگی افراد مبتلا به آلزایمر را که در

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.



## References

1. American Psychiatric Association. Diagnostic and statistical manual of mental disorders. Translated by Nikkhoo R. No Place: Hamaiak Avadis Ians; 2005.
2. Alzheimer's A. Alzheimer's disease facts and figures. No Place: Alzheimers Dement; 2014. p.47-92.
3. Alzheimer's A. Alzheimer's disease facts and figures. No Place: Alzheimers Dement; 2015. p.332.
4. Zali H, Seyyedi S, Rashidy pour A, Rezaei Tavirani M. Epidemiology and etiology of Alzheimer's disease. *Koomesh*. 2015; 16(2): 119-127. [Persian]
5. Mirhashemi ZS, Asvadi B. Confessions and Testimonies Validity of Alzheimer's patients. *Fighh of Medecine Journal*. 2018; 10(36-37): 21-32. [Persian]
6. Rohani M. Acquaintance to amnesia and Alzheimer. No Place: Akhtar Shomal; 2004. p.36-39. [Persian]
7. Forughan M. Alzheimer's disease. Tehran: Ghatreh; 2008. p.17-18. [Persian]
8. Altman L. Alzheimer. Translated by Hemmat F. Tehran: Asre Ketab; 2011. p.5, 28-29. [Persian]
9. Khajepur M. Alzheimer, oldness. No Place: No Name; 2004. p.2. [Persian]
10. Seiied Mohammadi I. Pathology of Psychopathology. Tehran: Ravan; 2008. p.299. [Persian]
11. Arjmand M, Samdani M. Alzheimer disease. Tehran: Nasle Farad; 2004. p.14, 41-43. [Persian]
12. Caselli Richard J, Reiman Eric M. Characterizing the Preclinical Stages of Alzheimer's Disease and the Prospect of Presymptomatic Intervention. *J Alzheimers Dis*. 2013; 33(1): S405-S416.
13. Parsa N. Alzheimer's disease, a medical problem in the 21st century. *Journal of Arak University of Medical Sciences*. 2011; 14(2): 100-108.
14. Available at: <https://www.alz.org/alzheimers-dementia/stages>.
15. Available at: <https://www.medicalnewstoday.com/articles/315123>.
16. Available at: <https://www.alzheimers.net/stages-of-alzheimers-disease/>.
17. Katozian N. Introduction to Law. Tehran: Ganjedanesh; 2020. p.75. [Persian]
18. Malekzadeh F. Dictionary of Commercial Law. Tehran: Dadgostar Publication; 2010. p.33. [Persian]
19. Baiat F. Explain of Civil law. Tehran: Arshad; 2018. p.129-130. [Persian]
20. Shahidi M. Civil law. Civil Law 3. Tehran: Majd; 2014. p.30-33. [Persian]
21. Safaei S. Elementary of Civil Law (General Priciples). Tehran: Samt Publication; 2013. p.61, 126. [Persian]
22. Katozian N. General rules of contracts. Tehran: Sahami Enteshar Publication; 2004. Vol.1 p.425-454. [Persian]
23. Safaei S, Gasemzadeh M. Persens and Incapable. Tehran: Samt Publication; 2014. p.209, 274-275, 310-323. [Persian]
24. Taheri H. Civil Law. Qom: Jamea-tul-Modarresin Publication; No Date. p.318. [Persian]
25. Olfat N, Karami Z. The Scrutiny of Effectiveness of Mental Disorders on Financial Transactions. *Journal of Medical Law*. 2015; 35: 29-52.
26. Samavati H. Commercial Law. Tehran: Mizan; 1999. p.32, 38, 128. [Persian]
27. Amini V. Commercial law. Tehran: Chatr Danesh; 2017. p.8. [Persian]
28. Eskini R. Commercial law-Generalities, commercial Acts, Merchants and Organization of Commercial Activity. Tehran: Samt; 1999. p.25, 51-52, 109. [Persian]
29. Tavakoli M. Summary of Commercial law. Tehran: Tarhe Novin; 2016. p.21. [Persian]
30. Sotudeh Tehrani H. Commercial law. Tehran: Dadgostar; 2000. p.13, 35-37, 138. [Persian]
31. Erfani M. Commercial Law. Tehran: Mizan; 2004. p.71. [Persian]
32. Eskini R. Commercial Law-Bankruptcy and Liquidation. Tehran: Samt; 1999. p.21-22. [Persian]
33. Hasanzade H. Commercial Law. Tehran: Majd; 2015. p.99. [Persian]
34. Eskini R. Commercial Law-Bill of Exchange, Promissory Note, Warrant, Cheque. Tehran: Samt; 1999. p.7, 61-62. [Persian]